



# به نام ایزد یکتا

دانشگاه جامع علمی کاربردی

مؤسسه آموزش عالی آزاد انفورماتیک ایران

رشته فناوری اطلاعات (IT)

مقطع کارشناس

جزوه درس:

## اندیشه اسلامی ۲

استاد راهنما:

جناب آقای محمدعلی صنعتی نجار

گردآورنده:

داود خزائی

سال تحصیلی ۹۵ - ۱۳۹۴

## جلسه اول: روز یکشنبه ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

### سرفصل کلی:

نبوت و امامت

### نحوه ارزیابی دانشجو:

- ۱) امتحان پایانی بصورت تشریحی برگزار می‌گردد.
  - ۲) بخشی از نمره پایانی بابت حضور در کلاس می‌باشد. و غیبت تا ۴ جلسه مجاز می‌باشد. بیش از ۴ جلسه غیبت از نمره پایانی حضور و غیاب کسر خواهد شد.
  - ۳) امکان برگزاری امتحان میان ترم هم می‌باشد.
- نکته:** در امتحان پایانی، سئوالاتی که بعنوان تعاریف می‌آیند، باید بصورت « کلمه به کلمه » و « واو به واو » در برگه امتحان جواب داده شوند. ولی اگر برای سئوالات توضیحی، پاسخها بصورت « مفهومی » نیز جواب داده شوند اشکالی ندارد.

## جلسه دوم: روز یکشنبه ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

انسان بعنوان موجودی مختار در محدوده اعمال اختیاری خویش هیچ کاری انجام نمی‌دهد. مگر آنکه قبل از انجام آن نسبت به آن حکم یا قضاوتی داشته باشد.

### معنا و چیستی دین

دین به چه معناست؟

هرگاه از معنا و چیستی چیزی سئوال شود این سئوال می‌تواند دارای ۲ جنبه باشد. که یکی « ناظر بر معنای لغوی آن واژه » و دیگری « ناظر بر معنای اصطلاحی یا تعریف آن واژه » می‌باشد. در مورد تعریف دین هم، همین ۲ جنبه مطرح است.

۱- معنای لغوی دین: دین در فرهنگ‌های لغت بر اساس ریشه عربی آن به ۳ معنای مشهور آمده است که عبارت‌اند از:

الف) اطاعت و فرمانبرداری. ب) جزا و پاداش. ج) بازگشت به کسی یا چیزی.

\* معنای اصلی و مرکزی این واژه در زبان عربی و شاخه زبانهای سامی، « داوری و حکم » می‌باشد.

۲- معنای اصطلاحی یا تعریف دین: دارای ۲ معنا یا ۲ تعریف اصطلاحی عام و وسیع و یک تعریف اصطلاحی خاص یا همان تعریف دین واحد الهی است.

الف) تعریف اصطلاحی عام اول: دین در معنای وسیعش در بیان ساده عبارت است از راه و روشی که هر فرد یا جمع در همه ابعاد اعتقادی، اخلاقی و چگونگی اعمال و رفتار در زندگی به آن پایبند است.

ب) تعریف اصطلاحی عام دوم: دین عبارت است از داوری و نگاه قضاوت‌گرانه انسان (اعم از فرد یا جمع) نسبت به خود، کل هستی، مبدأ، اصل، علت، حقیقت، چرایی و غایت‌مندی آنها و روش زندگی برخاسته از آن.

دو نتیجه منطقی حاصل از دو تعریف عام دین: از تعریف عام و وسیله دین نتایجی منطقی حاصل می‌شود که در اینجا به دو مورد از آنها اشاره می‌کند.

**نتیجه منطقی اول:** در مورد تعداد و تعدد دین است بدین معنی که اگر دین عبارت است از راه و روشی که هم فرد یا جمع در زندگی بدان پایبند است پس در مورد تعداد دین این نتیجه بدست می‌آید که به تعداد افراد می‌تواند یا امکان دارد یا می‌توان فرض کرد که دین وجود داشته باشد.

**نتیجه منطقی دوم:** در مورد فرض وجود فرد بی‌دین است به عبارت دیگر بنا بر تعریف عام و وسیع دین دیگر نمی‌توانیم کسی را بی‌دین فرض کنیم. چون به هر حال هر کسی یک بینش، منش و روش در زندگی دارد که این دین اوست و با این تعریف همه افراد دیندار هستند حتی کافران. این نتیجه فارق از ارزش گذاری درست و غلط یا حق و باطل یا الهی و غیر الهی بودن آن دین است.

دلیل این نتیجه گیری را نیز در قرآن دیده‌اید. و می‌شناسید با سوره کافرون آشنا هستید. در این سوره خطاب ابتدای سوره عبارت است از [ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ] یعنی: « بگو ای کافران ». که این جمله خطاب به کافران است ولی در انتهای سوره خداوند می‌فرماید [ لَكُمْ اَيْنَكُمُ ولى دین ] یعنی: « دین شما از آن شما و دین من از آن من است ». پس آیات سوره برای کافر هم اثبات دین کرده است. یعنی کافر هم در زندگی مجموعه‌ای از اعتقادات و روش‌ها را دارد که این دین اوست. فارغ از آنکه باطل و نادرست است، اما دین است.

**ج) تعریف اصطلاحی خاص دین یا دین واحد الهی:** به بیان ساده عبارت است از آن راه و روش زندگی که از جانب خداوند متعال توسط پیام آوران الهی برای بشر ارائه شده و ضامن سعادت و کمال او در همه ابعاد بطور کامل و به نحو متعادل در دنیا و در آخرت است.

**تعریف اسلام:** اسلام یعنی یکتا پرستی فطری و تسلیم حق و فرامین او شدن برای سلامتی بخشیدن به وجود خود و دیگران. سلام که شعار و نماد عملی اسلام است نیز از همین ریشه گرفته شده است لازمه سعادت و کمال دنیا و آخرت همین گردن گذاردن به فرامین اوست. که فطرت انسان با آن آشناست و این دعوت به گردن نهادن خطاب به مخاطبان این نوع از موجودات یعنی انسان است. درجه حداقلی اسلام که بتوانید از آثار آن بهرمنند شوید. سعادت ظاهر در این دنیا است. که حداقل است فارغ از اینکه شناخت و معرفت به این حقیقت نداشته باشیم که درجات بالاتری از ایمان و معرفت هم وجود دارند.

## جلسه چهارم: روز یکشنبه ۱۳۹۴/۱۲/۰۹ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

در مورد پیامبران صاحب شریعت: گفته‌اند و آموخته‌اید که پیامبران صاحب شریعت و کتاب ۵ نفر هستند.

( حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت محمد )

این ۵ نفر اولوالعظم هستند ولی به واسطه اینکه صاحب کتاب و شریعت هستند به این نام نامیده نشده‌اند ( بلکه علت دیگری داشته است ) اولوالعظم بودن موضوعی جدا از صاحب شریعت و صاحب کتاب بودن است چرا که پیامبران صاحب شریعت و کتاب بیشتر از این تعداداند. و در عین حال جزء اولوالعظم هم نیستند.

نیاز به پیامبر: اگر دین نیاز بشر است پس باید هیچ دوره‌ای خالی از پیامبر نباشد. چنانکه طبق روایات معصومین (ع) هم بیان شده ۱۲۴ هزار پیامبر تشریحی و تبلیغی از سوی خداوند برای هدایت بشر ارسال شده است.

قاعده کلی در قرآن کریم این است که :

[ ( لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ) « هاد = هادی » آیه ۷ سوره رعد ] \* \* \* [ ( وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ ) آیه ۴۷ سوره یونس ]

پس همه اقوام و اُمم دارای هادی و رسول بوده‌اند اگر چه اخبار آنها به طور صحیح به ما نرسیده باشد. و یا با اساطیر و غیره آمیخته شده باشد.

نکته ۱: دامنه ابلاغ رسولان هم متنوع بوده است. از خانه و ده کوچکی گرفته تا شهر، قوم و بالاخره جهان را شامل می‌شده است.

نکته ۲: در مورد تفاوت گستره مخاطبان پیامبران صاحب شریعت با مخاطبان پیامبر خاتم و دین اسلام گفته‌اند، مخاطبان پیامبران صاحب شریعت یا اولوالعظم همه انسانها هستند. در صورتی که فقط آخرین مرحله تشریح دین الهی است. که مخاطبش عموم مردم عالم ( هم در ظهور اسلام و هم پس از آن ) است. به همین دلیل جز در مرحله آخر تشریح دین که توسط پیامبر اکرم آورده شده هیچ یک از تعبیر همه شمول در بشارت‌ها متون و دعا‌های سایر پیامبران وجود ندارد.

اگر چه پیروانشان بعدها این موضوع را ادعا کرده‌اند. ولی آنان در اصل پیام و متن دینی و این روش و ادعا را نداشته‌اند. فقط این مرحله از تشریح یعنی اسلام است که برای عموم مردم به عبارت قرآنی ( كَافَّةً لِلنَّاسِ ) و رسول برای عالمیان است. بنابراین موسی (ع) پیامبر قوم اسرائیل و یهود است و مخاطب او بقیه اقوام و ملل نیستند.

البته دامنه کلامها و آموزه‌ها گسترده‌تر می‌شود. ولی باز هم مخاطب آنها عمومیت ندارد.

تمثیل: چون ذهن ما با امور بیرونی‌مان مانوس‌تر است نحوه بیان حقایق در معارف الهی تمثیلی است.

تعریف تمثیل: عبارت است از اینکه از طریق همانندی میان دو چیز که یکی از آنها برای مخاطب آشنا یا آشنا تر است. نحوه‌ای شناخت نسبی و درک اجمالی نسبت به آن دیگری که برای مخاطب ناآشنا یا ناآشنا تر است ایجاد نمائیم. مثلاً شما در یک میهمانی برای اولین بار غذای خاصی را میل کرده‌اید و حالا می‌خواهید برای دوستانتان چگونگی آن غذا را تعریف کنید. چون تعریف به معنای شناساندن است برای این کار از همین روش بیان تمثیلی یعنی بیان موضوع از طریق آن چیزهایی که با آنها آشنا هستند و همانندی‌اش با آنچه که با آن ناآشنا نیست استفاده می‌کنیم. مثلاً می‌گوئید طعم آن غذا شبیه فلان غذاست یا رنگش و یا بوی آن چنین و چنان است. و یا سایر اجزایش را به چیزهای دیگر تشبیح می‌کنید.

این مثالی که می‌آورید همان بیان تمثیلی از راه ایجاد همانندی برای فهم است که البته اقسام و توضیحات مفصل و ظریفی دارد که به آنها نمی‌پردازیم.

### کارکرد اصلی تمثیل

یکی از اصلی‌ترین کارکردهای تمثیل در جایی است که مخاطب عام است یعنی دارای سطوح و درجات مختلفی از این سه عامل است:

اولاً استعداد و قابلیت

ثانیاً دانش و معرفت

ثالثاً برخورداری از شرایط لازم برای درک و دریافت است.

در چنین شرایطی از بیان تمثیلی استفاده می‌کنیم.

### قائده و نتیجه استفاده از تمثیل

فایده بیان تمثیل این است که هر یک از مخاطبان متناسب با سطح و درجه‌اش در آن سه مورد یاد شده (استعداد و قابلیت - دانش و معرفت - برخورداری از شرایط لازم برای درک و دریافت). درک و دریافتی از آن بیان، سخن، معنا و پیام آن واقعیت و حقیقت خواهد داشت. از آنجا که مخاطب کلام و کتاب خداوند عموم انسانها یا به تعبیر قرآن کریم "ناس" هستند. که درجات متفاوتی از آن سه عامل یاد شده را بصورت یک طیف خیلی وسیع دارا می‌باشند. خداوند تبارک و تعالی در کتابش از همین روش بیانی استفاده می‌کند. و همینطور پیامبران و اولیاء الهی هم از همین روش در رویارویی با مخاطب عام بهره می‌گیرند تا هر کس از جمع مخاطبان متناسب با استعداد و قابلیت - دانش و معرفت و برخورداریش از شرایط لازم برای دریافت. دریافتی داشته باشد.

از همین رو است که همه قرآن را می‌خوانند و می‌فهمند ولی هر کسی به تناسب بهره‌مندی‌اش از آن شرایط ۳ گانه درجاتی از این فهم و درک را خواهد داشت.

## تعریف تشریح

الف) تعریف لغوی: به معنای بستر جریان و حرکت است.

ب) تعریف اصطلاحی: ایجاد بستر نوین با جریان یافتن دین در زمینه‌های مختلف ۳ گانه:

- ۱- شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی مخاطب
- ۲- متناسب با فهم و درک مخاطب
- ۳- متناسب با نوع زندگی مخاطب

## مفهوم تشریح در قالب تمثیل

همانگونه که حرکت آب رودخانه شریعه‌های مختلف در زمین‌های گوناگون ایجاد می‌نماید. حرکت دین واحد الهی در میان امم گوناگون با زمینه‌های گوناگون (از نظر شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی - فهم و درک و نوع زندگی) نیز شریعت‌های گوناگون متناسب با همان زمینه‌ها ایجاد می‌نماید. که این شریعت‌ها در میان مردم به ادیان الهی مشهوراند. در حالی که یک دین الهی بیشتر وجود ندارد. پس اینها شریعت‌های متعدد هستند که همگی در بستر یک رود یعنی همان دین واحد الهی منشعب شده‌اند. در تمثیل فوق آب رودخانه در برخورد با زمین‌های مختلف:

- ۱- بسترهای وسیع ایجاد می‌کند و می‌گذرد.
  - ۲- بر آنها اثر می‌گذارد و از آنها اثر می‌پذیرد.
  - ۳- در جاهایی از آن زمین‌ها که استکاک و برخورد و مقابله با جریان آب وجود دارد در ظاهر آنها تغییراتی ایجاد می‌کند. مثلاً مقداری از مواد موجود در آن زمین‌ها را در خود حل می‌کند. که باعث تغییرات اصطلاحاً میکروسکوپی و مایکروسکوپی می‌شود.
  - ۴- دارای نحوه عبور متفاوت در زمین‌های مختلف است.
  - ۵- گاهی تغییر رنگ و شفافیت می‌دهد.
- همانگونه که در جریان رود با گذر از زمین‌های مختلف در آنها اثر می‌گذارد و با برگرفتن زرات معلق آنها از آنها اثر می‌پذیرد. جریان دین نیز در جریان گذر از زمین‌های گوناگون و شرایط ۳ گانه پیش گفته در تعریف تشریح در آن زمینه‌ها اثر می‌گذارد و از آنها اثر می‌پذیرد. چه کم و چه بسیار.

از اینجا می‌توان به راز تفاوت شوابع و فراختر بودنشان در جایی مثل مسیحیت و عمیق‌تر بودنشان در جایی دیگر پی برد.

## جلسه ششم: روز یکشنبه ۱۳۹۴/۱۲/۲۳ (محل برگزاری: ---)

به علت عدم حضور دانشجویان کلاس برگزار نکردید.

## جلسه هفتم: روز یکشنبه ۱۳۹۵/۰۱/۱۵ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

**نکته مهم:** منظور از اثرپذیری دین، اثرپذیری در حقیقت دین ( که نزد خداوند به طور کامل معلوم و ثابت است ) نیست. بلکه منظور اثرپذیری در مرحله‌ای در دین است که پس از مرحله تشریح در میان مردم جریان می‌یابد که همان صورت ظاهری دین است. یعنی همان که دین ماست با برداشت ما، اعتقادات ما، پیش فرض‌های قبلی ما، فرهنگ و نوع بینش و حتی در بعضی موارد با اسطوره‌های ما همراه شده و به همین دلیل هم دائماً نیازمند پیرایش و پالایش و تزکیه است. و اصطلاحاً باید فیلتر شود. اکنون فقط از این تاثیر و تأثرها یعنی همان بخش واقعیت بیرونی دین صحبت می‌کنیم و نه غیر آن.

مثلاً مسیحیت یا اسلام را در صورت ظاهرش مورد توجه قرار دهید. در جوامع و ملل مختلف رنگ و بوهای متناسب با همان زمینه‌ها به خود گرفته است. که همان تعامل و تاثیر و تأثر است. مثلاً مسیحیتی که در بین آشوریان و ارمنیان ایران است با مسیحیت مسیحیان کلیسای ارتودکس روسیه و فرانسه یا ایتالیا و آمریکای لاتین کاملاً متفاوت است. و هرکدام از آنها رنگ و بوی مختص به خود را دارد.

### تعریف تبیین

الف) **تعریف لغوی:** بیان واضح نمودن یا ارائه دادن.

ب) **تعریف اصطلاحی:** بیان دین متناسب با پیشرفت دانش بشر و تغییر و تحول دائمی آن است.

تذکر: باید این نکته را متذکر شویم که تعریف فوق جدای از این موضوع است که آیا این سرعت پیشرفت علمی سعادت بشر را هم نیز تضمین کرده است یا می‌کند یا خیر.

## جلسه هشتم: روز یکشنبه ۱۳۹۵/۰۱/۲۲ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

### مفهوم تبیین در قالب یک تمثیل

بعنوان مثال در دوره دبیرستان در خصوص مبحث ساختمان اتم، مدل اتمی بودن را به این شکل آموزش می‌دادند. که الکترون‌ها به دور هسته می‌چرخند، بعد از چند سال مدل ابر الکترونی آموزش داده شد و بعدها مدل‌های دیگر. حال سؤال این است آیا در فواصل پیدایش این مدل‌های مختلف شکل واقعی اتم تغییر کرده بود؟ خیر. آیا دریافت از آن واقعیت تغییر پیدا کرده بود؟ خیر. آیا معلم دروغ گفته بود یا با مدل‌های دیگر آشنا نبود؟ خیر. دروغ نگفته بود، آشنا هم بود، اما متناسب با درک مخاطب و داشته‌های علمی قبلی او مدل ارائه می‌داد. تبیین دین نیز این گونه است پس تبیین بیانی متناسب با زندگی بشر است.

### جایگاه اصلی بحث تبیین

جایگاه اصلی بحث تبیین مرحله اصلی ختم نبوت است. که به عنوان مکانیزم همراه کننده دین با تحولات زمانی و مکانی به آن می‌نگریم.

## اجزای تبیین

از یک جنبه تبیین شامل دو بخش است: ۱- تفسیر ۲- تأویل

### تعریف تفسیر

**الف) تعریف لغوی:** تفسیر از ریشه فَسَّرَ است و مقلوب آن سَفَّرَ می‌باشد که هر دو به معنای کشف و پرده‌برداری و یا آشکار نمودن چیزی است. گفته شده فَسَّرَ در امور معنایی و سَفَّرَ در امور ظاهری کاربرد دارد. مثلاً در عربی سَفَّرَهُ الْمَرْأَهُ یعنی زن حجاب از چهره بر گرفت. یا کلمه اسفار به معنای روشنی روز درآمدن است. یا واژه متداول و معروف سَفَّرَ از باب اینکه موجب کشف و آشکار شدن سرزمین‌هایی می‌شود که قبل از آن بر ما پوشیده بوده به این نام نامیده می‌شود. و یا واژه تَفْسِيرَهُ به معنای نمونه آزمایشگاهی که به پزشک داده می‌شود از آن جهت که روشن نمودن وضعیت و احوال بیمار را آشکار می‌سازد.

### اقسام پوشیدگی امور

- ۱) **درونی:** گاهی پوشیدگی امور در درون وجود آدمی است که به وسیله سیر در انفس خویش سعی می‌کنیم. حقایق و آنچه را که برایمان پنهان و غیب است آشکار کنیم.
- ۲) **بیرونی:** گاهی پوشیدگی در امور بیرون وجود آدمی است که به وسیله سیر و سفر آشکار می‌شود.

### اقسام سیر

بر اساس بیان قرآن کریم و انواع پوشیدگی که ذکر شد اقسام سیر نیز به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱) **سیر انفسی:** که برای کشف پوشیدگی‌های درونی صورت می‌گیرد.
- ۲) **سیر آفاقی:** که برای کشف پوشیدگی‌های بیرون صورت می‌گیرد.

**ب) تعریف اصطلاحی تفسیر:** عبارت است از بیان و آشکار ساختن معانی الفاظ متن دینی.

منظور از سیر تکاملی دین واحد الهی ارائه بیان کاملتری از دین الهی در قالب تشریح و تبیین جدید و متناسب با شرایط نوین (شرایط سه گانه مذکور) برای انسان است و منظور از آن تحول و تکامل یافتن حقیقت دین نزد خداوند نیست. در واقع این بیان از دین است که متناسب با شرایط ما عرضه می‌شود، نه اصل حقیقت دین. چرا که اصل حقیقت دین نزد خداوند و کامل و بی‌نیاز از تغییر و تحول است. چون همان گونه که خواهیم گفت پایه و اساس دین و استواریش به ریشه داشتن در فطرت انسان است. بنابراین چون فطرت انسان بی‌نیاز از تغییر و تحول است دین نیز اینگونه است. پس آنچه که به صورت تحول یافته در هر عصری متناسب با شرایط همان عصر به انسان عرضه می‌شود، بیانی از دین است. (همان تبیین). و اصل حقیقت دین کامل و ثابت است.

در تعریف سیر تکاملی دین واحد الهی، «تشریح و تبیین» که تعریفشان بیان شد. ۲ اصطلاح کلیدی‌اند.

دین واحد الهی در بسترهای متفاوت قرار می‌گرفت و در نتیجه تشریح‌های گوناگون و در پی آن شریعت‌های گوناگون متناسب با شرایط پدید می‌آمد. بنابراین آنچه که به آن ادیان گفته می‌شود. در حقیقت شرایع است، نه ادیان چون دین الهی واحد است. و شریعت جزئی از دین است و نه تمام آن.



## جلسه نهم: روز یکشنبه ۱۳۹۵/۰۱/۲۹ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

تعریف لغوی تأویل: تأویل در لغت به معنای بازگرداندن به اصل و از ریشه اول می‌باشد.

تعریف اصطلاحی تأویل: تأویل در اصطلاح به معنای بیان و آشکار نمودن حقایق والا و فرا زمینی است که عبارت متن دینی از آنها خبر می‌دهد. و نیز بیان مصادیق خارجی آنها.

توضیح مصادیق خارجی: معنی آنچه که در این دستگاه زمان و مکان ( دنیا ) ، ظهور و وقوع می‌یابد. که یک مرتبه فرا زمان و فرا مکانی دارد و یک بُعد تأویل دانستن همین مصادیق ما به ازای فرا زمانی و فرا مکانی است.

و جنبه دیگر آن هم تحقق همان حقایق در این عالم زمان و مکان است.

توضیح جنبه های تأویل: لازمه این بازگرداندن حقایق خارجی ( مصادیق خارجی ) به حقیقت اصلی و فراایشان، داشتن هستی شناسی عرفانی صحیح، یک انسان شناسی صحیح و دینی و نیز قرآن شناسی مربوط به آن است.

رابطه مراتب وجودی: مراتب وجودی عالم، نسبت به یکدیگر شرایطی دارند. مراتب پایین تر، نمودها، بروزها و ظهورهای مراتب بالاتر هستند. مراتب پایین تر در واقع رقیق شده‌های مراتب بالاتراند. و مراتب بالاتر برای آن مراتب پایین تر حکم حقایق یا حقیقت‌ها را دارند. در وجود انسان هم همین گونه است. یعنی لایه‌های وجودی انسان که می‌تواند به فعلیت در آید در هر مرتبه که در انسان به فعلیت در می‌آید. می‌توانند با آن ۲ مرتبه متناظر دیگر پیوند برقرار کنند. تا به جایی برسد که بر آنچه که به عنوان ما به ازای آن صورت‌ها و عبارت‌ها در کتاب تدوینی حق آمده است. اشراف داشته باشد.

### چگونگی تنزل حقایق

حقایق از مرتبه علم الهی که متحد با ذات الهی است مرتبه به مرتبه و مرحله به مرحله تنزل داده می‌شود تا اینکه در پائین‌ترین سطح در قالب الفاظ و عبارات درآید. تا اینکه بتواند به آن حقایق و معارف دلالتی داشته باشد.

### مفهوم تأویل در مورد مراتب وجود انسان

راه یافتن از این مراتب به آن حقایق که لازمه‌اش بالفعل کردن مراتب وجود خویش است تأویل نام دارد.

اگر حقیقتی را که در متن دینی آمده است بتوانیم به حقایق اصلی آن بازگردانیم و آن را دریابیم تأویل خواهد بود. این حقایق در بستر زمان و مکان بصورت وعد و وعید تأویل می‌شود.

### تأویل الاحادیث ( حدیث به معنی « نوع پدیده » )

در بحث رویا نیز خداوند با عبارت تأویل الاحادیث از آن نام می‌برد. یعنی مراتبی از وجود در انسان هست که می‌تواند با مراتب فرا زمان و فرا مکان پیوند برقرار کند. یعنی در آنجا حقایقی را یا مستقیم و یا به عینه یا با صورت‌هایی که با آنها آشنا هستیم دریافت و مشاهده کند. حال اگر این صورت‌های رویایی را که در رویاهای تعبیردار ظاهر می‌شود، به اولاً آن حقایق و ثانیاً به مصادیق زمانی و مکانی خودش برگردانیم این کار تأویل خواهد بود.

تأویل یا بازگرداندن این صور به آن مراتب و حقایق تأویل الاحادیث نام دارد.

### تجدید نبوت و سیر تکاملی دین

عنصری که این سیر تکاملی را پیش می‌برد تجدید نبوت‌هاست و این سیر تکاملی در علم الهی گذشته است. یعنی خداوند علم داشته است به اینکه این عالم، عالم حرکت، تغییر، تحول و تکامل است. و اندیشه و نوع زندگی بشر هم دائماً تحول دارد. بلکه خود او این موارد را در زندگی بشر قرار داده است. در نتیجه نیازهای انسان برای درک و نوع زندگی تحول می‌یابد. بنابراین راه زندگی که همان دین است. هم باید کاملتر و کاملتر و مرحله به مرحله با توجه به شرایطش برای انسان بیان شود.

به همین دلیل است که همه پیامبران، تصدیق کننده پیامبران پیشین و کتاب و دین نازل شده پیشین‌اند و از همین جاست که در قرآن داریم: [ لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ] یعنی: «هیچ فرقی نمی‌گذاریم بین احدی از پیامبران».

#### تفاوت بیان تشریحی حق در پیش از مرحله ختم نبوت با مرحله ختم نبوت

تا پیش از مرحله ختم نبوت بیان تشریحی حق از مسیر بیان پیامبر می‌گذرد. یعنی حقایق و معانی آنها در وجود پیامبر قرار می‌گرفت. اما قالب لفظی و عبارتی آن از خود آن پیامبر است. اما در مرحله ختم نبوت حتی لفظ آن هم وحی است. که علت مشخصی دارد. دیگر سخنان پیامبر اکرم (ص) غیر از کلام قرآن که در قالب تبیین دین و کلام خدا و بیان جزئیات بیان می‌شود. از همان نوع دیگر است که از پیامبران دیگر هم می‌بینیم. و به همین دلیل جزء قرآن قرار نگرفته است.

در سیر تکاملی دین واحد الهی دیدیم که در هر عصر و دورانی با توجه به زمینه‌های سه‌گانه توسط پیامبران الهی، تشریح صورت می‌گیرد. عنصر تکمیل این سیر تجدید نبوت است.

### چرا و چه نیازی به تجدید نبوت - اساساً تجدید نبوت چه نیازی از بشر را تامین می‌کند؟

علل متعددی دارد که در ۲ علت خلاصه می‌شود آن ۲ علت عبارت‌اند از:

(۱) پس از تشریح، متن و تعالیم دینی در معرض نابودی یا نقصان یا دگرگونی و تغییر و یا به عبارت کلی انحراف و تحریف می‌شود. و یا با عقاید و آداب و رسوم گذشتگان و با اساطیر درمی‌آمیخت در نتیجه دین توان پاسخگویی کامل به نیازهای بشر را از دست می‌داد.

(۲) تحول دائمی در اندیشه، دانش و نوع زندگی بشر. و پدید آمدن نیازها و مسائل و شرایط جدید بر اساس تحول پیش آمده لازم می‌کرد که تشریح و تبیین از دین متناسب با این شرایط جدید صورت پذیرد.

\* نکته اینکه منظور از تکامل در اندیشه، دانش و نوع زندگی می‌تواند حداقل از دید کمی باشد. یعنی شکی در این نیست که زندگی بشر دست کم در بُعد فناوری فنون و ابزار سازی ناشی از آن و افزایش دانش‌ها و ایجاد آنچه که زندگی را آسانتر می‌کند و بهبود می‌دهد و انسان را تواناتر می‌کند. رشد کمی داشته است. حال ممکن است بعضی این سؤال را مطرح کنند که آیا در

بعد کیفی هم به موازات بعد کمی رشد داشته است.

یعنی مثلاً بشر امروزی نسبت به بشر ۱۰۰ یا ۱۰۰۰ سال قبل انسان تر هم شده است؟

## ۲ کار اصلی پیامبران در رابطه با تجدید نبوت

پیامبران علیه السلام در رابطه با تجدید نبوت ۲ کار اصلی انجام می‌دادند: ۱- اصلاح ۲- تکمیل

۱- توضیح اصلاح: برطرف کردن تغییرات و دگرگونی‌ها یا تحریفات و درآمیختگی‌های بوجود آمده در دین که گاه در حیطه

اندیشه و نظر است. و گاه در عمل به آنها. و گاه در سطوح فردی است. و گاه در سطوح جنبی.

۲- توضیح تکمیل: ارائه بیان کاملتری از دین متناسب با شرایط و مقتضیات جدید در قالب تشریح و تبیین جدید.

توضیح اینکه این سیر تکاملی در علم الهی گذشته است. و خداوند تغییر و تحول و تکامل بشر آگاه است. به همین دلیل دین هم باید برای بشر تبیین و تشریح شود. این سیر از ابتدا مشخص است. مثل یک سیر برنامه‌ریزی شده مرحله به مرحله تشریح و تبیین می‌شود. به همین دلیل پیامبران تصدیق کننده پیامبران پیشین و وعده دهنده به آمدن پیامبران بعدی هستند. در بیان آنان اصلاح و تکمیل مکرراً آمده است. مثلاً موسی علیه السلام بشارت‌هایی درباره « ماشیا » یا همان « مسیح » می‌دهد.

مبنی بر اینکه « پس از من دچار چه بیراهه رفتن و چه انحراف‌هایی می‌شوید. » یا مسیح علیه السلام می‌گوید: « نیامده‌ام که زایل کنم یا اضافه کنم. بلکه آمده‌ام تا به کمال برسانم ».

در انجیل یوحنا اینگونه آمده است: « من به شما می‌گویم که از میان شما خواهیم رفت و شما غمگین می‌شوید. اما به شما می‌گویم که رفتن من برای شما بهتر است. چرا که اگر نروم پدر، « فارقهیط » یا همان « احمد » را برای شما نخواهد فرستاد. او آنچه را به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد. » و در ادامه شبیه این مضمون آمده است که: « و تمام آنچه را که لازم است برای شما بیان خواهد کرد. و من توان آن را ندارم که بند لعین آن را بگشایم ».

## جلسه سیزدهم: روز یکشنبه ۱۳۹۵/۰۲/۲۶ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

البته مسیحیان گفته‌اند:

منظور از فارقهیط روح القدوس است. در حالیکه این توجیه با دیدگاه تثویثی آنها که در آن مسیح و روح القدوس هم عرض هستند در واقع روح القدوس از دید آنان روح القدوس چیزی بالاتر از مسیح نیست که طبق متن انجیل: « مسیح نتواند حتی بند کفشش را باز کند. » یا در آئین زرتشت این عبارت وجود دارد: « سوشیانت‌هایی خواهند آمد که این کلمه در اینجا به معنای هدایت رسان‌ها و سود رسان‌ها است. در تعلیمات دینی آنها گفته شده است که آنها می‌آیند و آئین بهی و اهورایی را تجدید می‌کنند. » قصد از بیان موارد فوق این بود که روشن شود همه جا « اصلاح و تکمیل » انجام شده است.

**تجدید نبوت‌ها تا کجا ادامه می‌یابد - آیا می‌توان مرحله‌ای را یافت که به پیامبر جدید نیاز نباشد؟**

جواب این است؛ جایی تجدید نبوت‌ها منتفی می‌شود که علل آن ( ۲ گزینه گفته شده ) رفع یا قطع شود. و یا به گونه‌ای دیگر بجز تجدید نبوت پاسخ داده شود و یا به گونه‌ای بجز تجدید نبوت.

یک موضوع مهم در این میان این است که تحریف، تغییر در متن دینی پدید نیاید. چون هیچ وقت تغییر و تحول و دانش و اندیشه و نوع زندگی بشر متوقف نمی‌شود. این سیر ادامه دارد تا جایی که بشر به یک بلوغ نسبی عقلانی و فرهنگی کتابتی یا نوشتاری بعنوان حداقل‌های اولیه لازم دست یابند. تا بتواند برنامه‌ای جامع و کامل را دریافت کند و آن را از دست ندهد.

**پاسخ دلیل دوم:**

و به کمک قوه عقل خویش اصول، قوانین و فرمول‌های کلی آمده در آن مسائل جدیدی را که در زندگی متحولش برایش پدید می‌آید پاسخ داد. در اینجا است که دیگر نیازی به آمدن پیامبران جدید و تجدید نبوت نخواهد بود. و در این مرحله نبوت ختم می‌شود و با عنوان مرحله ختم نبوت از آن یاد می‌کنیم.

« در این مرحله دین الهی برای بشر به کمال نهایی نظری خود می‌رسد. »

### **چند نکته برای فهم بیشتر مطلب**

در توضیحات فوق برای توجیح علل ختم نبوت عباراتی بکار بردیم که نیاز به توضیح بیشتری دارد:

۱- **بلوغ عقلانی نسبی:** این بلوغ و تکامل و اندیشه و دانش بشر می‌تواند ادامه یابد اما در زمان ختم نبوت در حالت نسبی بعنوان یکی از حداقل‌های لازم برای دریافت برنامه دین مطرح و دیده می‌شود.

۲- **فرهنگ کتابتی یا نوشتاری:** یعنی اینکه کتابت یا نوشتن بصورت فرهنگ عمومی اگرچه بصورت حداقلی درآمده باشد. یکی از دلایل اصلی از بین رفتن یا تعریف و دگرگونی و یا درآمیختگی کتب آسمانی پیشین نبود همین فرهنگ کتابتی و یا به عبارت ساده‌تر نبود این کتب بطور عمومی در بین پیروان بود. یعنی اینکه کتاب در دسترس عموم و عامه مردم نبود. مثلاً از تورات موسی (ع) یعنی همین تورات مکتوب فعلی یک نسخه بیشتر وجود نداشت که آن هم در تابوت عهد نگهداری می‌شد. بنا بر اعتراف خود یهودیان و مسیحیان و مورخان تاریخی و یا بر اساس ملحقات عهد عتیق این متن مکتوب حداقل ۲ بار مفقود شد. و سپس از روی شفاهیات بازنویسی شد. حتی در بعضی دوره‌ها این متن تا ۷۰ سال وجود نداشت و زمان می‌گذشت تا بازنویسی شود. این مسئله حتی در کتب فعلی تورات و اصفار خمرسه آن درج شد.

یا از اوستای زرتشت به فرض الهی دانستن این آئین که شواهد هم همین را می‌گویند ۲ نسخه بیشتر وجود نداشت که بر روی ۶ هزار پوست گاو نوشته شده بود و یک نسخه آن در معبدی در شمال غرب ایران و دیگری در شهر استخر فارس نگهداری می‌شد. در حمله اسکندر بنا به یک روایت تاریخی هر دو نسخه و به روایت تاریخی دیگر یک نسخه آن کامل و بخشی از نسخه دیگر نابود شد. و بخش دیگر آن به کتابخانه اسکندریه منتقل شد. که ایران دوستان افراطی معتقدند پیشرفتهای یونان ناشی از آن است. بعدها بخش کوچکی از آن بر اساس شفاهیات گردآوری شد و ----- که نسبت به بخش اصلی بسیار اندک و ناقص است.

**سؤال این است که بخش‌هایی که نابود شد. لازم و ضروری بود یا بی‌فایده؟**

یا در مورد مسیحیت اکثریت قریب به اتفاق مسیحیان کنونی معتقدند مسیح کتابی از خود نداشت و اناجیل موجود را کتبی می‌دانند که حواریون و شاگردانش پس از او با الهام از روح القدس درباره زندگی مسیح نوشته‌اند. آمدند و تعبیرات تثویث را وارد کردند. که در آنجا عیسی را خدا و حواریون را با ----- بعنوان پیامبران قرار دادند. تصور می‌کردند با این نوآوری‌ها اشکالات کار رفع می‌شود.

## نتیجه اینکه:

اولاً نسبت دادن این کتب به حواریون از جهات مختلف مشکل است.

ثانیاً دهها انجیل مختلف در اوایل مسیحیت وجود داشته است.

۳- **حداقل‌های لازم:** اگر گفته شد حداقل‌های لازم برای دریافت برنامه جامع و کامل دین وجود داشت به معنای بلوغ و کمال انسانها در دریافت آن نیست. بلکه بعنوان حداقل‌های لازم در نظر گرفته شده است. بلوغ و کمال انسانها نیازمند طی مراحل دیگری است. به محض آنکه آن حداقل لازم پدید آمد لطف الهی اقتضا می‌کند که این برنامه به انسان اعطا شود.

۴- برنامه:

### جلسه چهاردهم: روز یکشنبه ۱۳۹۵/۰۳/۰۲ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

به علت ولادت امام زمان (عج) و تعطیل بودن رسمی کشور در این روز کلاس برگزار نمی‌گردد.

### جلسه پانزدهم: روز یکشنبه ۱۳۹۵/۰۳/۰۹ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)

#### برنامه:

منظور از برنامه، در اینجا برنامه به معنی امروزی آن نیست که شامل جزئیات باشد، بلکه منظور توجه به آن راه و روش‌ها و فرمولها و قوانین کلی لازم برای بشر است. و اساساً برای چنین وضعیتی چاره‌ای جز کلی بودن و بیان در این قالب و اینگونه نیست. در برنامه به معنی امروزی آن ورودی‌ها و خروجی‌هایی وجود دارد تا بوسیله آنها برنامه تنظیم شود. اما در برنامه دین به معنی کهن این واژه توجه شده است، یعنی راه و روش و فرمولهای کلی. تا اینجا بخش اول تعریف ختم نبوت بود که علت اول تجدید نبوت‌ها یعنی تعریف و نابودی و دگرگونی متن دینی را پاسخ می‌دهد. اما بخش دوم تعریف، علت دوم یعنی تحول دائمی در اندیشه دانش و نوع زندگی بشر را پاسخ می‌دهد.

یک تمثیل برای این حالت کلی، مانند این است که یک کتاب جامع شامل تمامی قوانین و فرمولهای کلی یک رشته علمی را داشته باشیم، آن هم بر اساس واقعیت نه بر اساس علوم حسی و تجربی که خودشان هم تغییر پذیرند و هم فرمولهایشان می‌توانند متغیر باشند. در این کتاب مدل تمثیل ما روش حل مسائل نمونه، مسائل حل شده و حتی آزمایشگاه وجود دارد حال با تک‌تک آن قوانین و فرمولها از نظر ریاضی چند مسئله می‌توان حل کرد. مثلاً با فرمول جاذبه بی نهایت مسئله می‌توان حل کرد « تفاوتی هم نمی‌کند که مسئله مربوط به سقوط شیء در عصر حجر باشد یا در دوره ماهواره‌های امروزی یا هر زمان دیگر » در واقع فقط صورت مسئله عوض شده است. یعنی متغیرها تغییر کرده‌اند اما قانون و روش حل ثابت است. در مورد دین هم چون امری نازل شده از ناحیه علم الهی است مسئله علوم بشری و نسبی بودن آن وجود ندارد بلکه دین هنگامیکه به ما می‌رسد از دید ما مدلهای متفاوت به نظر می‌آید. چون ناظر بیرونی هستیم.

در عالم واقع با واقعیهایی روبرو هستیم که پس از آن چیز دیگری غیر از واقع وجود می‌یابد. که آن برداشت شماسست و به آن مدل می‌گویند.

بعد سعی می‌کنید با کنترلی که اعمال می‌کنید. مدل‌تان را به آن مدل واقعی نزدیکتر و نزدیکتر کنید. در دین هم بیان و مدل‌هایی می‌آید و مدل و بیان کاملتری عرضه می‌شود تا جایی که به مرحله‌ای می‌رسد که قالباً دریافت آنچه که لازم است پیدا می‌شود.

**\* حال برای حل یک مسئله علمی چه چیزهایی نیاز داریم؟**

۱- آشنایی و آگاهی نسبی به قوانین و فرمولهای آن زمینه علمی.

۲- آگاهی و شناخت به مسئله مربوط به آن زمینه و نوع آن مسئله و اینکه مثلاً مربوط است به آپتیک یا دیگر علوم.

۳- دانستن روش حل مسئله. چرا که ممکن است مراحل متعدد داشته باشد.

حال اگر بخواهیم به تمام یک مسئله علمی زمینی به دور از خطا و اشتباه بطور کامل پاسخ دهیم به چه چیزهایی نیاز داریم.

۳ نکته بالا که برای حل مسئله لازم است به تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند و کافی نیست. این مرحله تشریح پایانی که می‌خواهد پاسخ گوی تمام نیازهای زندگی متحول بشر در تمام زمان‌ها و مکان‌های پس از خود تا آخرالزمان باشد. در چه قالبی می‌تواند عرضه شود.

- منظور از کمال نهایی نظری دین در مرحله ختم نبوت و پاسخ به این شبهه که این دین مربوط به بیش از ۱۴۰۰ سال پیش است؟

یعنی تمام آنچه که برای سعادت و کمال آدمی در همه ابعاد و در زندگی او لازم است در قالب این اصول و قوانین کلی در مرحله پایانی دین برای او بیان شده است این موضوع غیر از تحقق عملی و کامل آن بر روی زمین است. در واقع دین با ختم نبوت، تحقق عملی کامل و تام برای انسانها بر روی زمین دست نیافت. بلکه تحقق نظری دست یافت، نه تحقق عملی.

- علت اینکه تشریح پایانی ( ختم نبوت ) با فرمولهای کلی صورت گرفت؟

اگر تشریح پایانی بر اساس یک شرایط خاص و جزئی صورت می‌گرفت و تبیین می‌شد. با تغییر آن شرایط خاص و جزئی، توانایی تطابق خود با همه زمان‌ها را از دست می‌داد. و یا لاقلاً دیگر بصورت تام و کامل پاسخگوی نیازهای هر زمان نبود.

- در جمله با ختم نبوت دین به کمال نهایی و نظری خود رسید، منظور از کمال نظری چیست؟ چرا دین از جنبه عمل تحقق تام و کامل دست نیافت؟

چون حداقل لازم برای دریافت به نام دین موجود بود به کمال نهایی نظری‌اش رسید. اما چون زمینه‌ها برای بلوغ پذیرش عمومی آگاهانه و مختارانه حتی نه با اکراه و تحقق آن در پیرامون خود به روی زمین وجود نداشت به تحقق عملی کامل و تام خود نرسیده است. تحقق این مرحله عملی نیازمند پدید آمدن بلوغ و کمال لازم و زمینه‌های آن است.

- زمینه‌های لازم برای تحقق عملی کامل و تام دین چگونه حاصل می‌شود؟

از راه تجربه و آزمون مکاتب و راه و روش‌های مختلف، در این دوران ختم پس از نبوت و پدید آمدن این آگاهی که هیچ یک از آنها تأمین کننده سعادت و کمال انسان در تمام زمینه‌ها و به نحو کامل نیستند. به عبارت دقیق‌تر بشر باید به جنبه‌های مثبت و منفی هر یک از آنها در مرحله تجربه عملی آگاهی یابد. و با تکیه بر این آگاهی در زمان موعود آخرین (ع) با اختیار خویش

دین الهی درست و کامل به دوران پیرایه‌ها را بپذیرد و در خود و پیرامون خود و در روی زمین تحقق دهد.

- دلیل نیازمندی دین به تبیین؟

از آنجا که دین در قالب اصول و قوانین کلی بیان شده نیازمند تبیین شرایط جزئی در هر زمان و در هر مکان است.

- عنوان از آنچه که گفته می‌شود نبوت ختم شده است؟

یعنی این مرحله از تشریح می‌خواهد پاسخ گوی نیازهای بشر در تمام زمان‌ها و مکان‌های پس از خود تا آخرالزمان بوده باشد. و دیدیم که این امر امکان نداشت جز اینکه در قالب اصول و قوانین کلی بیان شود. و چون کلی بیان شده است، نیازمند تبیین خواهد بود.

- چرا سخن از کمال نهایی در بحث ختم نبوت شد؟

به این علت عبارت کمال نهایی گفته شد، که اگر گفته می‌شد کمال، کمال یافتن با تکامل همراه است که امکان فرض کاملتر از آن هم وجود دارد. ولی با تغییر کمال نهایی منظور مشخص می‌شود که بعد از آن، دیگر حالت کاملتری قابل فرض نیست.

### **جلسه شانزدهم: روز یکشنبه ۱۳۹۵/۰۳/۱۶ (محل برگزاری: کلاس ۴ دانشگاه)**

در این تاریخ بعثت هفته آخر بودن کلاسها و نزدیک بودن به امتحانات، احتمالاً کلاسها برگزار نگردد.

موفق و پیروز باشید. ( داود خزائی )

**در پایان پیشنهاد می‌گردد: که این جزوه را به صورت « پشت و رو » پرینت بگیرید.**